

سرمقاله

وصال روحانی
روزنامه نگار

حق واقعی کشتی
چقدر است؟

آنچه علیرضا دبیر در دفاع از حق و حقوق کشتی می‌گوید و دو، سه سالی است بر سر آن با سران وزارت ورزش بحث و جدل می‌کند، چندان دور از حقیقت نیست. رئیس فدراسیون کشتی که روشی بدون تعارف و زبانی صریح برای گرفتن حق این ورزش دارد، در ۶ ماهی که از سال ۱۴۰۱ می‌گذرد، به دفاع با معاون وزیر ورزش و برخی سران دیگر این وزارتخانه بر سر حقوق حقه و امتیازاتی که باید به این ورزش داده شود، در این مجمع و آن محفل مجادله کلامی داشته اما او در صحبت‌هایش معمولاً چیزی را نگفته است که

دور از حقیقت باشد. بر عکس او فقط شرح موقوف داده و تأکید کرده که در سال‌های معاصر به طور متوسط حدود ۶۷ درصد از مدال‌های اخذ شده توسط ایران در دیدارهای بزرگ بین‌المللی و بویژه المپیک‌ها توسط ورزشکاران رشته کشتی صید شده و بنا بر این سهم فدراسیون این ورزش از بودجه سالانه‌ای که دولت به وزارت ورزش می‌دهد اگر برابر یا رقم فوق نباشد، باید بسیار بیشتر از رقمی باشد که این وزارتخانه در تقسیم بندی‌های اخیر خود لحاظ کرده و به مرحله اجرا گذاشته است و آن بیلان ظاهراً از ۷ درصد فراتر نمی‌رود. مدیران ارشد وزارت ورزش و بخصوص سید محمد پولادگر که پیش از هر کسی طرف صحبت و مورد خطاب و عتاب دبیر قرار گرفته، تصریح کرده که چون بیش از ۴۰ فدراسیون ورزشی کشور زیر چتر حمایتی این وزارتخانه قرار دارند و بنه مالی مورد نیاز به آنها تزریق می‌شود، نمی‌توان خواسته‌های دبیر را به اجرا در آورد. پولادگر افزوده است که اگر «دبیر» فقط ورزش تحت حمایت خویش را می‌بیند، وزارت ورزش به‌عنوان متولی کل ورزش کشور باید همه فدراسیون‌ها را ببیند و نیازهای آنان را برآورده کند و چون تأمین همه نیازهای هر فدراسیونی نزدیک به غیر ممکن است، هر یک از آنها باید با قبول سهمی کمتر از مبلغ درخواستی خویش و با مدیریت لازم بر آن، ورزش مربوطه را رتق و فتق و به سوی اهدافش رهنمون کنند. البته رضا صالحی امیری هم تا زمانی که رئیس کمیته ملی المپیک بود و بعضی معاونانش بحث‌هایی از همین دست با دبیر در مجامع و گردهمایی‌ها داشتند و از این ماجرا مصون نماندند. با این اوصاف باید اکتفا پرسید که به چه اندازه و میزان باید به کشتی بودجه داد و آیا سهم حق و باقیسته هر ورزشی در کشور ما همانی است که وزارت ورزش می‌دهد؟ این در شرایطی است که کمیته ملی المپیک هم در زمان برگزاری رقابت‌های مهم قاره‌ای یا جهانی و المپیک میبلیغی را به‌عنوان بودجه حضور در این رقابت‌ها و حق الزحمه کمکی به فدراسیون‌ها اعطا و در عمل آن را ضمیمه بودجه اهدایی وزارت ورزش می‌کند. قدر مسلم این که وزارت ورزش قادر نیست ۶۷ درصد از بودجه کل ورزش کشور را به کشتی بدهد تا بهای مستقیم و برابر با درصد مدال‌های صید شده توسط این ورزش باشد و دبیر هم بهتر از هر کسی می‌داند که نه این رقم تأمین شدنی است و نه با توجه به حضور بیش از ۴۰ فدراسیون فعال در کشور می‌توان به یک رشته - ولو بسیار موفق - این همه پول داد. بواقع دبیر با اصرار و پافشاری‌هایش روی این مسأله کوشیده است بودجه کشتی را تا آن جا که امکان پذیر است، بالا بیاورد و شاید او به ۱۵ و حتی ۱۳ درصد از بودجه کلی ورزش هم راضی باشد و این دور از انصاف و عدالت نیست اما سران ورزش ایران به این هم رضایت ندادند و همچنان بر حق سایر ورزش‌ها هم پافشاری می‌کنند. جدالی که نتیجه آن فقط تضعیف ورزش اول کشور است.

به این تیم شایسته اعتماد کنیم

لثال، لوکاس، لوکارلی و... به برزیلی متوسط تبدیل می‌شد. این قاعده در مورد همه تیم‌های بزرگ دنیا از امریکا گرفته تا فرانسه، لهستان و ایتالیا صدق می‌کند. تیم‌های بزرگ دنیا عملیات تغییر در تیم را بتدریج انجام می‌دهند تا جوانان به مرور به تیم‌های بزرگ تزریق شوند. اما در تیم ملی ما همه جوان‌ترها پیش از یک دهه پشت ستاره‌های بزرگ، متوقف ماندند. امین اسماعیل‌نژاد که در لیگ ملت‌های امسال همه چشم‌ها را متوجه خود کرد، ۲۶ سال سن دارد و همه رسانه‌ها و کارشناسان دنیا با حیرت می‌پرسیدند: «پس او تاکنون کجا بود؟!» اسماعیل‌نژاد و بسیاری از بازیکنان دیگر در این

تیم ملی والیبال ایران با شکست مقابل پرافتخارترین تیم ملی والیبال دنیا از گردونه رقابت‌های قهرمانی جهان کنار رفت تا عنوان سیزدهم رقابت‌ها را از آن خود کند؛ دقیقاً همان مقامی که ۴ سال قبل با سرمربی خارجی و البته با همه ستاره‌های بزرگ و نامدارمان به دست آوردیم. حقیقتی که در مورد این تیم نادیده گرفته شد، دامنه تغییرات کلانی است که در این تیم روی داد. به جرأت می‌توان گفت هیچ تیمی در دنیا نمی‌تواند بدون ستاره‌های باتجربه‌اش عملکردی نزدیک به گذشته داشته باشد. تیمی که سه‌شنبه شب با ایران بازی کرد، بدون

تراز، در والیبال ما حضور داشتند؛ اما حسارت استفاده از آنها وجود نداشت. به این ترتیب همه سرمایه‌های والیبال ما پشت صف ماندند و بسیاری از آنها سوختند تا در یک بازه زمانی ۱۴ ساله، تیم ملی بزرگسالان به یک فهرست آشنا محدود شود (که با وجود این سرمایه‌های بزرگ نتوانستیم حضور روی سکوی جهانی را تجربه کنیم). تیمی که به لیگ ملت‌ها و بعد به جام جهانی رفت، در حقیقت نتیجه حسارت کادر فنی و فدراسیون والیبال ما بود که البته در لیگ ملت‌ها خوش درخشید. در مسابقات قهرمانی جهان هم می‌توانست به مراتب بهتر از این عمل کند؛ اما چه زمانی باید

هزینه ساختن آینده را پرداخت؟ ما می‌توانستیم تا ۵ سال دیگر هم از ستاره‌های نامدارمان استفاده کنیم اما بعد از آن چه می‌کردیم؟ ستاره‌های نامدار والیبال ما به هر حال روزی به مرز بازنشستگی می‌رسیدند. یک روز باید حسارت تنفس بدون آنها را پیدا می‌کردیم و حالا باید اجازه دهیم جوانان ایران، خودشان را نشان دهند. تیم ملی والیبال که در دوره گذشته قهرمانی جهان، با مربی خارجی و همه ستاره‌ها به مقام سیزدهم رسیده بود، این بار با یک مربی جسور ایرانی و ستاره‌های جوانی که بسیاری از آنها، تجربه اولشان را پشت سر می‌گذاشتند، در همان خانه جدول ایستاد. دوره

قبل لیگ ملت‌ها با نامداران مان دوازدهم شدیم و با جوانان مان هفتم. اتفاقی که بعد از دوره دگرگونی در تیم ملی والیبال افتاد، کاملاً قابل قبول و دفاع بود و هرگز نباید آن را در حد فاجعه، زشت جلوه دهیم. همان طور که ۱۴ سال قبل به سعید معروف، محمد موسوی، فرهاد قائمی، شهرام محمودی، امیر غفور و... اعتماد شد تا چهره‌های شاخص والیبال ایران شوند، باید به این بازیکنان هم اعتماد کنیم. جوانانی که به اندازه اسطوره‌های تاریخ والیبال ایران استعداد دارند و ضرورت دارد ترس‌شان را از مقابله با بزرگان والیبال دنیا بریزیم. به این تیم شایسته باید افتخار و اعتماد کرد.

کنترل خونریزی؛ اولین مأموریت کی‌روش



مربی پرتغالی در گام اول به دنبال ترمیم روحی تیم، بازرگاندن همبستگی تیمی و بررسی بازیکنان در اردوی اتریش خواهد بود. بعد از آن می‌توان درباره انتخاب ترکیب اصلی، طراحی فرم بازی و نقشه صعود صحبت کرد.

ZOOM

شجاع خلیل‌زاده دعوت می‌شود
در روزهای گذشته این شایعه مطرح شد که ممکن است کارلوس کی‌روش شجاع خلیل‌زاده را به دلیل انتقاداتی که از این تیم ملی خط بزند. با این حال شنیده می‌شود که مربی پرتغالی به دنبال خط زدن مدافع الاهلی قطر نیست و خلیل‌زاده به احتمال زیاد یکی از بازیکنان تیم ملی در اردوی اتریش خواهد بود. خلیل‌زاده که در دوره اسکوپچ یکی از مدافعان اصلی تیم ملی بود، با این شرایط همچنان فرصت خواهد داشت تا در این اردو معک بخورد و از جایگاهش در ترکیب اصلی دفاع کند.

آرمن ساروخانیان روزنامه نگار
بارگشت کی‌روش به نیکمت تیم ملی در همین زمان کوتاه واکنش‌های زیادی داشته. طرفدارانش با یادآوری عملکرد تیم ملی در جام جهانی ۲۰۱۸ در رویای صعود از گروه B جام جهانی ۲۰۲۲ هستند و منتقدانش تضمین می‌خواهند که تیم ملی این بار به مرحله حذفی برسد. کار مربی پرتغالی اما نسبت به چهار سال قبل سخت‌تر است و هر چند تیم ملی حریفان ساده‌تری دارد، جمع کردن این تیم به هم ریخته در ۷۰ روز مأموریت پیچیده‌ای به شمار می‌رود. نتایج خوب تیم ملی مقابل مراکش، اسپانیا و پرتغال نتیجه برنامه‌ریزی یکساله و آماده‌سازی دقیق کی‌روش بود، ولی این بار زمان بزرگترین دشمن مربی پرتغالی است. البته این به معنی بهانه‌تراشی نیست و کی‌روش با تجربه‌تر از آن است که بدون آگاهی از شرایط این مسئولیت سخت را پذیرفته باشد.

هنگام بزرگ کی‌روش در روسیه طراحی دقیق نقشه‌ای برای کنترل سه حریف سخت تیم ملی بود و توانست نقاط قوت آنها را به خوبی خنثی کند تا ایران برای اولین بار در مرحله گروهی جام جهانی به ۴ امتیاز برسد و با کمی شانس حتی می‌توانست بالاتر از پرتغال به یک هشتم صعود کند. این بار اما او قبل از فکر کردن به حریفان، باید تیم خودش را سر و سامان بدهد و از نظر آمادگی بدنی، روحیه تیمی و هماهنگی تاکتیکی به سطحی برساند که در حد تورنمنت معتبری مثل جام جهانی باشد. اسکوپچ برای تیم ملی زحمت زیادی کشید و در مرحله مقدماتی نتایج خیلی خوبی گرفت، ولی بعد از شکست مقابل کره جنوبی و الجزایر کنترل تیم را از دست داد و چنددستگی و اختلافات بین کادر فنی، بازیکنان و بعضی از مدیران شرایط نگران‌کننده‌ای را به وجود آورده بود. مربی کروات نشان داد که توان مدیریت مجموعه مهمی مثل تیم ملی ایران را ندارد و در شرایط حساسی مثل جام جهانی که همه اتفاقات زیر ذره‌بین

دوربین‌ها و رسانه‌های بین‌المللی قرار دارد، ممکن بود فاجعه بزرگی در انتظار فوتبال ایران باشد. تیم ملی در ماه‌های گذشته مثل بیماری رو به موت بوده که برای نجاتش قبل از هر چیز باید جلوی خونریزی را گرفت و بعد از آن سراغ درمان اعضای آسیب‌دیده برود. کی‌روش قبل از طراحی نقشه بازی مقابل انگلیس، ولز و امریکا باید بتواند اتحاد و همبستگی را به بازیکنان برگرداند و به اصطلاح تیمش را جمع کند. اردوی اتریش فرصت خوبی است که کی‌روش با بازیکنان درباره هدف بزرگی که در پیش است صحبت کند و تیم ملی را به ریلی که چهار سال قبل بود، برگرداند. او پیش از رسیدن به تهران قطعاً بازی‌های اخیر تیم ملی را بررسی و آخرین وضعیت بازیکنان سابقش را پیگیری کرده است. حتی شنیده می‌شود که از فدراسیون خواسته علاوه بر فهرست اسکوپچ نام چند بازیکن را برای دریافت ویزا اضافه کند. هرچند

تیم و افکار عمومی پیش از جام جهانی قطر داشته باشد. سرمربی جدید تیم ملی در این دو بازی به دنبال پیدا کردن ترکیب اصلی تیمش خواهد بود، ولی از طرف دیگر نمی‌تواند با جابه‌جایی‌های زیاد خیلی ریسک کند و با شکست سنگینی به تهران برگردد. با شناختی که از کی‌روش داریم، او قطعاً بعد از اردوی اتریش هم برای ملی‌پوشان شاغل در لیگ برتر برنامه‌ریزی می‌کند و ممکن است مثل چهار سال قبل در فاصله بازی‌های لیگ برتر یک روز در هفته ملی‌پوشان را در اختیار بگیرد. او زمان زیادی برای ساختن تیمش ندارد، ولی از هر فرصتی برای بالا بردن آمادگی بدنی و ذهنی بازیکنانش استفاده خواهد کرد. کی‌روش در مرحله اول به دنبال ترمیم روحی تیم خواهد بود و در اردوی اتریش نفرات اصلی‌اش را پیدا می‌کند و بعد از آن سراغ طراحی نقشه تیمش برای مقابله با سه حریف مرحله گروهی خواهد رفت. تنها در آن زمان است که می‌توان درباره صعود احتمالی صحبت کرد.

راجر دسا
دستیار کی‌روش در تیم ملی
یک سایت آفریقایی خبر داد که راجر دسا مربی اهل آفریقای جنوبی به احتمال فراوان دستیار کارلوس کی‌روش در تیم ملی ایران خواهد بود. دسا در تیم ملی مصر هم یکی از دستیاران کی‌روش بود. خبر حضور این مربی در کادر فنی تیم ملی پیش از جام جهانی ۲۰۱۴ هم مطرح شده بود، ولی در آن مقطع حضورش در تهران منتفی شد.

قربان بردیف
شوخه به نام بحران
قربان بردیف وقتی سرمربی تراکتور شد، بعضی‌ها بر طبل ناامیدی کوبیدند که او هم تا هفته پنجم یا ششم دوام می‌آورد اما روند تاکتیکی و امتیازگیری تراکتور نشان داد او مشغول بلند کردن جسد این تیم است. تراکتوری که فصل قبل تا یک قدمی سقوط پیش رفته بود، حالا به شرایط مطلوبی رسیده و از بحران عبور کرده است؛ بحرانی که برای مربی بزرگی چون بردیف، یک شوخی بود.

مارک ویلموتس
پرونده‌ای رو به اتمام
یکی از نقاط ضعف دوران مدیریت مهدی تاج در فدراسیون فوتبال، پرونده جنجالی مارک ویلموتس بود. یک قرارداد نافرجام که جز سیاهی و حاشیه، عایدی دیگری برای فوتبال ایران به همراه نداشت، با این حال، نزدیکان به تاج اعتقاد دارند آن قرارداد، چندان هم بد نبود و این پرونده سنگین به زودی شرایط تازه‌ای پیدا می‌کند. گفته می‌شود در زمان اندک، پرونده با تسویه حساب فوری، مختومه خواهد شد.